فلسفه انتظار

پدید آورنده : زهرا سادات مرتضوی ، صفحه 30

انتظار، صرف نظر از معنای لغوی آن - چشم داشتن، چشم به راه بودن-، باوری است بارور به عمل که در زندگی انسان منتظر در غالب کرداری خاص تجسم می یابد. انتظار، اعتقادی است در گرو عمل و به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می کند.

انتظار ذاتی وجود بشر و در نهاد جمله انسانها نهفته و عامل حرکت و پویایی و فعالیت ایشان به سوی سازندگی و رشد و کمال است، و فرو کش نمودن نیروی پر قدرت انتظار و امید در وجود فرد و تسلط یاس بر وی به معنی رسیدن به نقطه پایان حیات سازنده فکری و عملی او خواهد بود. نوع انتظارها در میان افراد بشر بر اساس تفکر، جهان بینی و فرهنگ هر فرد متفاوت بوده و در نتیجه ارزش، قدرت انگیزش و تقدس آن نیز متفاوت خواهد بود.

حاکمیت حقیقت، عدالت و معنویت بر زندگی همه افراد بشر و در نهایت، سعادت و نیکبختی همه بندگان خدا و دستیابی به مدینه فاضله، مقدس ترین و برترین آرزو و انتظاری است که با زندگی مظلومان و مؤمنان در طول تاریخ، عجین شده و امیدوار کننده ترین بشارتی است که همه اولیا و انبیا برای پیروان خویش به ارمغان آورده اند و در کتب مقدسشان نیز درج گردیده است.

اندیشه تشکیل چنین جامعه ای به وسیله شخصیتی مقدس و عالی قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به مهدی تعبیر شده است، اندیشه ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی نیز با تفاوتها و اختلافهایی بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا انتظار در اسلام، به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح است. به خصوص در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) انتظار، از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و تأکید فراوانی از سوی ائمه اطهار (علیهم السلام) بر ضرورت و لزوم انتظار فرج صورت گرفته است.

امام صادق (علیه السلام) خطاب به یکی از اصحاب خود فرمود: «آیا شما را خبر ندهم به چیزی که خدای عزّوجل هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خدا نیست و آنکه محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم شدن در برابر ما و پرهیزکاری و اجتهاد و اطمینان و انتظار قائم (علیه السلام).»

همچنین امام جواد (علیه السلام) خطاب به جناب عبدالعظیم حسنی فرمود: «ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و اوست مهدی که واجب است در زمان غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد.»

و روایات بسیاری که تشبیهاتی والا درباره منتظران ظهور حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) بیان فرموده اند، مانند:

کالمفارغ بین یدیه (القائم) بسیفه.

کمن استشهد مع رسول اللّه (صلی الله علیه و آله).

کالمتشحّط بدمه فی سبیل اللّه.

کالشاهر سیفه بین یدی رسول اللّه (صلی الله علیه و آله) یذبُّ عنه.

آنچه باعث شده چنین فضایل و تأکیدهایی از سوی پیشوایان دین (علیهم السلام) برای انتظار فرج بر شمرده شود را می توان در نقش سازنده انتظار و نتایج و آثار آن یافت، که البته در صورت جمع آمدن شرایط و آداب انتظار صحیح که آن نیز به طور دقیق از سوی ائمه معصوم (علیهم السلام) بیان شده است، حاصل خواهد شد. برخی از این اثرهای حیات بخش که می توان از آن به عنوان فلسفه انتظار یاد کرد، تحت عناوین ذیل بررسی می شود:

1. تقویت روح امید

در آموزه های عالی و جاوید اسلام، این آرزو (ظهور منجی) تقویت و در مذهب پاک تشیع جزء عقیده قرار داده شده تا به واسطه ظلم و تعدی و نواقص اجتماعی بشر، بدبینی به دستگاه وجود پیش نیاید و انسان دچار یأس و ناامیدی نگردد و زندگی اجتماعی را برای همیشه تاریک و ناراحت کننده نبیند؛ چه کوچک ترین اثر بدبینی، بی رغبتی به خدمات اجتماعی و دل سردی از اقدام به کارهای عام المنفعه و نیکوست. پس توجه دادن مردم به آینده درخشان و دولت حق جزء عقیده قرار داده شده و انتظار را از عبادات دانسته تا مسلمانان حق پرست بر اثر ظلم و تعدی زمامداران خود پرست و تسلط دولتهای باطل و تحولات اجتماعی بزرگ و حکومت ملل ماده پرست اعم از شرقی و غربی خود را نبازند و دل قوی دارند و جمعیت را آماده نمایند و متوجه باشند که حق دارای نیروی بس عظیم و قدرت شدیدی است که بالاخره خود را ظاهر می سازد.

همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگه داشته؛ با آنکه از هر طرف موجبات تلاشی و مرگ را برای ملت اسلام فراهم کرده اند؛ ولی قدرت معنوی آنها از دست نرفته و نمی رود تا آن روزی که دشمنان از آن می ترسیدند و می ترسند، آشکار شود.

یأس و ناامیدی نه تنها مانع از کارهای اصلاحی و پیشرفت جوامع می گردد که گاه باعث انحلال جریان موجود جامعه و عدم مقاومت در برابر آن می شود.

هنگامی که فساد فراگیر می شود و اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند، افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند، بن بستی که از یأس در اصلاحات سرچشمه می گیرد و این نومیدی ممکن است آنها را تدریجا به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند.

2. انتظار فرج و ارزشمندی انسان

همان طور که پیشتر بیان شد، انتظار در معنای عام آن، عامل امید و حرکت است و هیچ انسانی از آن بی نیاز نمی باشد، انتظارها و آرزوهای افراد متفاوت است؛ «آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند، حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسانها و بلندای همت آنها می کند. به عکس، آرزوهای خرد، حقیر و بی ارزش، نشان از بی همتی و رشد نیافتگی افراد دارد.»

آرزوها انسان را به حرکت وا می دارند و به طور طبیعی هر چه همت بلندتر و آرزو، ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود و چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزشها نیز برخوردارست؛ زیرا آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت دین خدا و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است. قطعا چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف ناپذیر برخوردار است. به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

این انتظار است که دیدگاه وسیع و افق بلند مسلمانان و مخصوصا شیعیان را نشان می دهد.

3. انتظار، عامل پویایی و سازندگی

«انتظار مرکب از دو عنصر است. عنصر نفی و عنصر اثبات.» فرد منتظر در پی نفی وضعیت موجود و ثبوت و دستیابی به وضعیت مطلوب است.

فردی که در انتظار ظهور امام عصر (علیه السلام) است، از ظلم، فساد بی عدالتی، بی هویتی و سرگردانی جهان امروز آزرده بوده و به دنبال منتفی نمودن این وضع است و از طرف دیگر مشتاق رسیدن به حکومت حق و عدالت و معنویت می باشد.

بنابراین، از یک سو انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حق و عدالت و اسلام خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاههای فشار، استبعاد، جهل و شرک، بشر پرستی و فساد انگیزی پایدار نگه می دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدواری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آنها می افزاید و در مبارزه حق و باطل، صفوف طرفداران حق را فشرده تر و مقاوم تر می کند و آنها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می دهد و گوش آنها را همواره با صداهای نوید بخش قرآن آشنا می دارد: «قُل إنْتَظِرُوا إنّا مُنتَظِرُونَ»

این انتظار همواره یکی از پایه های مهم و زنده مبارزه علیه فساد، در جامعه اسلام بوده که آن را باید سرچشمه مقاومتها و منبع تحریکات و مبارزات ایجابی و سلبی اهل حق با اهل باطل شمرد.

انتظار از سوی دیگر عامل تلاش برای هماهنگ کردن فرد و جامعه با حکومت موعود بوده، «مستلزم تلاش فراگیر فردی و اجتماعی در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نظامی است. تلاشی که اگر به واقع محقق شود، فرد و جامعه مصداق روایاتی خواهند شد که در آنها منتظران ظهور را با یاوران امام مهدی (علیه السلام) و حاضران در صحنه های نبرد عصر ظهور مقایسه کرده و اجر و ثواب و شأن و مرتبه آنها را یکسان دانسته اند.»

این انتظار، شخص را متعهد و مسئول می سازد که برای تحقق هدفهای اسلام و عملی شدن برنامه های دین، شب و روز کوشش نماید و فداکاری کند تا بلکه یک گام به سوی مقاصد اسلام جلو برود.

4. انتظار، مقدمه ظهور

مهم ترین اثر انتظار فرج، نزدیک شدن ظهور حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) و حکومت حق و عدل الهی است. پیروزی هر انقلاب و هر فعالیت اجتماعی، به یک سلسله شرایط و موقعیتهای عینی و خارجی بستگی دارد که بدون فراهم شدن آن شرایط نمی تواند به هدف خود برسد.

اگر چه قسمتی از شرایط و موقعیتهای انقلاب مهدی (علیه السلام) خدایی است و جنبه آسمانی دارد، اما اجرای کلی مأموریت او به گرد آمدن شرایط عینی و خارجی وابسته است آری سنت تغیرناپذیر الهی بر این است که اجرا و ایجاد تغییرات اصلاحی بستگی به عوامل خارجی، فضای مناسب و جو عمومی داشته باشد. پس با اینکه خدای بزرگ توانایی دارد همه مشکلات را برای پیام رسانهای آسمانی، هموار و به وسیله اعجاز فضای مناسب ایجاد کند، این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا انتخاب و ابتلا و رنجی که مایه تکامل انسان می شود، در صورتی تحقق می یابد که تحولات، طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشد.

قیام حضرت ولی عصر (علیه السلام) قیامی مردمی و وابسته به تلاش ملت است. جملات امام محمد باقر (علیه السلام) در این باره قابل توجه است. راوی می گوید: به خدمت امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: «مردم می گویند چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به اندازه یک حجامت خون می ریزد. فرمود: «هرگز چنین نیست. قسم به کسی که جانم به دست اوست، اگر قرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) درست می شد، هنگامیکه دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست، به کسی که جانم در دست اوست، کار درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما در عرق و خون غرق شویم.» آنگاه به پیشانی خود دست کشید.

(إنَّ اللّهَ لا یُغَیّرُ ما بقومٍ حتّی یُغَیِّروا ما بأنْفُسِهِم.)؛ «و خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که آن قوم حالشان را تغییر دهند.»

آمادگی مردم نه تنها برای قیام و انقلاب مهدی (علیه السلام) ضرورت دارد بلکه شایستگی آنان برای ارتباط مستقیم با وجود مقدس حضرت ولی عصر (علیه السلام) نیز شرطی اساسی است؛ «چون میان قابلیتها و شایستگیهای ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم (علیه السلام) و میزان حضور امام در جامعه ارتباطی متقابل وجود دارد. به هر اندازه که جامعه شایستگی و لیاقت خود را از دست داده و از ارزشهای الهی فاصله بگیرد، امام معصوم (علیه السلام) نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله گرفته و از حضور خود در جامعه می کاهد.

در بخشی از توقیع شریف و مبارک حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) چنین آمده است:

«اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان بخشد - با دلهایی متحد و یکپارچه به پیمانی که با ما دارند، وفا می کردند، هرگز میمنت و فیض ملاقات ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و به زودی سعادت دیدار همراه با معرفتی کامل نصیبشان می گردید. پس ما را از شیعیان پنهان نساخته مگر آن دسته از کردارشان که بر ما خوشایند نیست و از ایشان توقع نداریم...».

پس انتظار با ایجاد آمادگی و شایستگی در منتظران حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) ایشان را لایق قدوم مبارک حضرتش ساخته و در تعجیل فرج تأثیر بسزایی خواهد داشت.

5. انتظار، حلقه اتصال شیعه با امام

ولایت و امامت، رکن اساسی مکتب تشیع است. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومان (علیهم السلام) و به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلتها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است. با توجه به این نکات در می یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می شود که ارتباط شیعیان با امامشان، اگر چه به صورت قلبی و معنوی، حفظ شود و آنها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

در روایتی که از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده، ایشان مردم دوران آخر الزمان را برترین مردم همه زمانها معرفی می کنند، «دلیل این برتری را این می دانند که برای آنها غیبت و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند، در زمان غیبت انجام می دهند.»:

«ای ابا خالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او، امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند، برترین مردم همه زمانها هستند؛ زیرا خداوند عزوجل چنان خرد، درک و شناختی به آنها ارزانی داشته که غیبت برای آنها همانند مشاهده (و حضور امام) است. خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داد، که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جهاد می کنند. آنها مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کننده به سوی خدا در پنهان و آشکار هستند.»

آنچه در بیان نقش سازنده و اثر حیات بخش انتظار گذشت، نشان دهنده فلسفه انتظار و دلیل تأکیدهای بسیار ائمه (علیهم السلام) درباره انتظار می باشد. نیز دلیل اینکه در برخی روایات، انتظار فرج، خود فرج و یا پاره ای از آن شمرده شده است، مشخص می شود. ابوبصیر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم: «فدایت شوم، فرج کی خواد بود؟ حضرت فرمود: «ای ابا بصیر! آیا تو هم از کسانی هستی که دنیا را می خواهند؟ کسی که این امر را شناخت به راستی برای او گشایش ایجاد شده به جهت انتظار کشیدنش».

محمد بن فضل می گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) «درباره چیزی از فرج پرسیدم، فرمود: آیا مگر نه انتظار فرج خود از فرج است؟ خداوند عزّوجلّ می فرماید: منتظر باشید که من هم در حال انتظار می باشم».

امید است خداوند ما را از منتظران حقیقی قدومش قرار دهد.

پی نوشتها:

1. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج 1، ص 364.

2. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی، ص 222.

3. ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، ص 101.

4. ر ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص 54-58؛ سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس، ص 45؛ ناصر مکارم شیرازی، همان، ص 54؛ گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، هفت آسمان، ش 12 و 13، ص 107.

5. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص 13.

6. نعمانی، الغیبة، محمد جواد غفاری، ص 285.

7. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 285.

8. صدوق، همان ج 3، ص 644.

9. مجلسی، همان، ج 52، ص 126.

10. صدوق، همان، ج 2، ص 645.

11. همان، ص 647.

12. تلخیص از محمود طالقانی، انتظار ظهور، ص 11.

13. محمود طالقانی، همان، ص 11.

14. همان، ص 13.

5 1. ناصر مکارم شیرازی، همان، ص 109.

6 1. ابراهیم شفیعی سروستانی، انتظار، بایدها و نبایدها، ص 23.

17. همان، ص 23 و 22.

8 1. لطف اللّه صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج 2، ص 71.

19. ناصر مکارم شیرازی، به یاد مهدی، ص 8.

20. لطف اللّه صافی گلپایگانی، همان، ج 2، ص 54.

21. سوره انعام، آیه 158: «بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم».

22. لطف اللّه صافی گلپایگانی، همان، ص 65.

23. ابراهیم شفیعی سروستانی، همان، ص 54.

24. لطف اللّه صافی گلپایگانی، همان، ج 2، ص 72.

25. سید محمد باقر صدر، امام مهدی حماسه ای از نور، ص 75.

26. همان، ص 76.

27. همو، رهبری بر فراز قرون، ص 107.

28. مجلسی، همان، ج 52، ص 358.

29. سوره رعد (13) آیه 11.

30. ابراهیم شفیعی سروستانی، در انتظار موعود، ص 43.

31. ابراهیم شفیعی سروستانی، انتظار، بایدها و نبایدها، ص 21.

32. همان.